



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۶/۱۲/۱۹



بصیر صباح

دستگاه قضایی و پارلمان غرق در فساد

کنون قانون و آزادی و دولت طراوت گر نبخشد این چمن را
پرستو را بگو دیگر نیاید بهاری نیست هرگز این وطن را

به باور برخی از آگاهان از سالیان متمادی پدیده رشوه در ادارات دولتی یک امر غیر قابل اصلاح در پهلوی برخورد نادرست با مراجعین در کشور می باشد. موجودیت حلقات فاسد، رشوه حاکمیت روابط بر ضوابط در تمام ارگان های دولتی به وضاحت دیده می شود. گروهی از استفاده جویان و رشوه خواران در ادارات دولتی از وظایف شان سوء استفاده نموده و به صورت دوامدار به این عمل ادامه می دهند. با حق دادن به مقامات بالا تر سال های سال است این پدیده معیوب، بدون اصلاح باقی مانده و اشخاص صادق و کارفهم را بدنام ساخته از مقابل خویش برداشته اند.

مردم کشور عمیقاً خواستار برخورداری از امنیت و زندگی در سایه نظم و قانون هستند اما در حال حاضر، به نظر نمی رسد که حکومت توانایی تأمین این خواسته را داشته باشد.

یک تعداد از سناتوران می گویند که نیاز است در برابر غاصبین زمین در این کشور مبارزه جدی صورت گیرد. این سناتوران بدین باورند که در حال حاضر ارگان های عدلی و قضایی در افغانستان با دادن اسناد برای غاصبین زمین با آنها همکاری می کنند.

«برای غاصبین زمین و مافیای زمین ارگان های قضایی و عدلی اسناد تهیه می کند مردم عادی افغانستان غاصب نیست تا حال کسی مجازات شده؟ کسی گرفتار شده؟ تا زمانی که مافیای فساد اداری را گم نکنید غاصبین گم نمی شوند.» «در طول تاریخ افغانستان به اندازه که در این دوره زمین غصب شده است در دوره جنگ های داخلی که شست هزار نفر کشته شدند غصب نشده بود.» تعدادی از افغانها عاملین اصلی غضب زمین های دولتی را در افغانستان مقامات دولتی و تعدادی هم از اشخاص با نفوذ می دانند که به گفته آنان با استفاده از زور و قدرت دست به غضب زمین می زنند.

مؤسسه تحقیقاتی "چتم هاوس" در لندن در یک گزارش تحقیقاتی، دستگاه قضایی کشور را مورد انتقاد قرار داده و از رواج گسترده فساد، بی عدالتی، عدم مؤثریت و عدم پاسخگویی تشکیلات قضایی و عدلی در کشور سخن گفته است.

برخورداری مردم از خدمات منصفانه قضایی برای جلب اعتماد آنان به نظام حکومتی ضرورت دارد و عدالت باید محور هر نوع ستراتیژی دراز مدت برای استقرار و حفظ صلح و امنیت در افغانستان باشد. از زمان سقوط طالبان در افغانستان، به لزوم برخورداری مردم از یک نظام قضایی منصفانه و مؤثر توجه لازم نشده است. نتیجه این بی توجهی، رواج فساد و بی

عدالتی در دستگاه عدلی و ناخرسندی مراجعان از نحوه رسیدگی به مشکلات خود بوده که به نوبه خود، یأس و سرخوردگی از نظام حاکم را شدت بخشیده است.

تصمیم به عفو مظنونان به ارتکاب جرایم جنگی که بر اساس ملاحظات سیاسی اتخاذ شد نیز به نوبه خود به بدبینی مردم نسبت حکومت دامن زده است. یکی از عواقب تشدید بی اعتمادی مردم نسبت به عدالت خواهی دولت، افزایش حمایت از گروه های تروریستی بوده است. برخی از کسانی که از برخورداری از عدالت از طریق دادخواهی از نظام قضایی کشور شکیر و ناراض می شوند، راه چاره را در طرفداری از مخالف دولت می بینند و به حمایت از طالبان و حتی به پیوستن به آنان تمایل نشان می دهند.

طالبان نیز مترصد بوده اند تا از ناکامی دستگاه قضایی در پاسخگویی به خواست مردم برای استقرار عدالت به نفع خود بهره برداری کنند. طالبان با اجرای عدالت به شیوه خاص، خود را نیرویی سختگیر اما عدالتخواه و قضاتی قابل دسترس و کارآمد تر از دست اندرکاران نظام قضایی دولتی معرفی کرده اند. این وضعیت به طالبان کمک کرده است تا حضور خود را حتی به مناطقی دور از حوزه سنتی نفوذ این گروه در جنوب توسعه دهد. در خلال دو سال اخیر، تصمیم هایی برای رفع نواقص و حل مشکلات قوه قضائیه اتخاذ شد. در عین حال چون این تصمیم ها تا کنون نتیجه ملموس و قابل توجهی در پی نداشته و فساد و بی کفایتی در دستگاه عدلی، و نارضایتی مردم از آن، همچنان باقی است.

پارلمان در جاده غفلت و در مسیر رشوت

وطن ویرانه از یار است یا اغیار یا هر دو؟ مصیبت از مسلمان هاست یا کفار یا هر دو؟
همه داد وطن خواهی زنند، اما نمی دانم وطن خواهی به گفتار است یا کردار یا هر دو؟
وطن را فتنه مسند نشینان داد بر دشمن و یا این مردم بی دانش بازار یا هر دو؟
کمند بندگی بر گردن بیچارگان محکم ز بند سبحة شد؟ یا رشته زنار یا هر دو؟
وکیل از خدمت ملت تغافل می کند عمداً و یا باشد وزیر از مملکت بیزار یا هر دو؟
وکیلان و وزیرانند خائن، فحش می گویم! اگر در زیر تیغ یا به روی دار یا هر دو

تو را روزی به کشتن می دهد ناچار، "لاهوئی"

زبان راست گو یا طبع آتش بار یا هر دو

احصائیه های تکان دهنده و تأمل برانگیز فساد گسترده اداری، اختلاس های کلان، کشتار غیر نظامیان، افزایش بی سابقه خشونت علیه زنان، اختلافات پوچ احزاب، آوارگی جوانان در کمپ های غربی، توسعه فقر و فحشاء، خودکامگی حکومت و از همه مهمتر دخالت های کشورهای منطقه در تعیین و تبیین سیاست و امنیت، معنای کلمه استقلال را زیر سؤال برده است. پس پارلمان کجاست تا ازین همه خیانت بازپرس نماید؟

سؤال اینجاست اگر پارلمان خانه مردم و مدافع حقوق آن هاست چرا نمایندگان يك پارچه از حقوق مردم دفاع نکرده و هر يك ساز سیاسی و قومی خود را می زنند و مردم را قربانی اغراض شخصی خود می کنند و دولت با بی کفایتی و کابینه با بی کارگی و نیروهای جنگ افروز را که با کشتن و انفجار دادن ها زندگی را به مردم وطن به جهنم تبدیل نموده اند و پشتیبان های خارجی آنان را، وسیله نیروهای خارجی که توان نابودی و انحلال آنان را دارد ولی حاضر نیست که چنین ریسک نماید مورد بازخواست جدی قرار نمی دهند؟

عملکرد دولت و هماهنگی پارلمان و قوه قضائیه در مورد عدم خدمتگذاری به مردم و تلاش پارلمان به خاطر به دست آوردن امتیازات گوناگون از دولت و خارجی ها و روز گزرنی های بی هدف و بی مورد همه را از این نهاد بی کفایت نا امید و دلزده ساخته است.

در روز های نخستین که افراد جنگجو و شرارت پیشه در رأس پارلمان به اساس زد و بند های عقب پرده قرار گرفت همه امید ها را به یأس و همه آرزوها را به نابودی سوق داد.

عملکرد پارلمان به هیچ وجه با منافع ملی مطابقت ندارد بلکه برعکس تأمین کننده منافع نیرو های خارجی در افغانستان است و این ثابت می سازد که نظام حاکم با تمام اجزایش وابسته به امریکا و غرب است. عملکرد مسؤولین پارلمان این نظریه را ثابت ساخت که اگر آنها وابسته و هماهنگ با منافع بیگانه ها نمی بودند هرگز نمی توانستند به پارلمان راه پیدا کنند.

با این حساب و محاسبه جای دارد که جنازه پارلمان را از دارالامان برداشته بعد از نماز جنازه در میدان زور آزمایی جنگ سالاران به محل اشک و آه مردم مظلوم و ستم دیده افغانستان بخاک سپرد.

در این روزها، مثل اینکه تمام مشکلات کشنده وطن حل گردیده و تنها هم و غم مردم ما را انتخابات پارلمانی می سازد، دولت و تمامی رسانه ها به مثابه تیکه داران مشغله زای شعور عامه به گونه منحرف کننده اش مشروعیت یا عدم مشروعیت پارلمان بعد از اول سرطان را به سرخط اخبار شان مبدل کرده اند. اگر انتخاباتی نیز برگزار شود، در آن جنایتکاران معلوم الحال بار دگر برگرده های زخمی مردم نصب گردیده آنچه از آن سر برخواهد آورد به یقین ادامه همین پارلمان فاسد و مافیایی امروز خواهد بود. زیرا با مرور سرسری به دو دور گذشته پارلمان به سادگی می توان دریافت که قوه مقننه مملو از جنایتکاران و ناقضین حقوق بشر و قاچاقبران مواد مخدر است که با زور تفنگ و پول به این مجلس راه یافته اند و تا زمانیکه اینان خلع قدرت نشوند باز هم این به اصطلاح «خانه ملت»، محل تجمع جنایتکاران سرشناس خواهد بود و نمایندگان واقعی مردم نمی توانند در آن راه یابند.

اکثریت اعضای پارلمان تفنگ سالار و متهم به نقض حقوق بشر و قاچاق بران مواد مخدر هستند. تعداد شخصیت های دموکرات و ملی در پارلمان به تعداد انگشت های دست هستند که شامل زن و مرد می شوند اما تعداد شان بسیار محدود است. به این خاطر که پارلمان یک پارلمان دموکراتیک نیست، حتی آزادی بیان در درون این پارلمان وجود ندارد.

حاضر نشدن به جلسات پارلمان، داشتن امتیازات مادام العمر، غصب زمین و اخذ پول از وزاری پیشنهادی دولت و ... از کارنامه های شرم آور دیگر این پارلمان است. محمد اکرم خیلواک وزیر اسبق اقوام و قبایل، والی اسبق فراه و پکتیکا در زمان حکومت کرزی از طرف ریاست جمهوری مأمور شده است تا در میان وکلای مجلس دالر و تحایف گرانها توزیع کند. وی تا کنون برای پیروزی هر نامزد وزیر پیشنهادی، یک آیفون ۶، یک ساعت رادو، یک بوتل عطر و برای برخی از وکیل ها از ۵۰۰۰ الی ۱۰۰۰۰ دالر پول نقد توزیع کرده است.

در میان صد ها هزار سند دیپلماتیک امریکا که «ویکی لیکس» پخش کرد، سندی از سفارت امریکا در کابل موجود است که فاش می کند ایران برای عده ای از معینان وزارتخانه ها و وکلای پارلمان پول می دهد تا به میل ایران در افغانستان کار کنند. در این میان از عالمی بلخی، احمد جبریلی و محمد اکبری نام برده شده است که از مهره های ایران در پارلمان اند. با آنکه به ظاهر ادعا می شود تا زمانیکه در کمیسیون انتخابات اصلاحات نباید کشور های کمک کننده حاضر نیستند مصارف انتخابات را بپردازند ولی در عقب این همه سناریو برنامه های بزرگ نهفته است.

اگر دولت یا کشور های تمویل کننده می خواستند انتخابات در زمان معین برگزار گردد هم کمیسیون آنرا اصلاح می کردند و هم بودجه ای به آن اختصاص می دادند. پارلمان مانند دولت فعلی یک مرجع بی صلاحیت و مملو از فساد است.

اعضای مجلس در دوره حکومت کرزی با تلاش های فراوان قادر نشدند تا رنگین دادفر سینتا، وزیر خارجه را سلب صلاحیت کنند، اینان نتوانستند لوی سارنوال را از وظیفه اش سبکدوش کنند و همچنان قادر نشدند زخیلوال را که بوی فسادش به تمام جهان رسید، از وزارت برکنار کنند. این وکلا به جای نظارت بر کارهای دولت و حل مشکلات مردم تمام روز در معامله با

دولت مصروف اند که گاه گاهی این معاملات از سوی وزراء به خاطر سفید کردن خود و به بهانه خدمت به خلق فاش می گردد.

طوری که عمر زاخیلوال به تاریخ ۲۳ ثور ۱۳۹۲ در ولسی جرگه گفت: ظاهر قدیر نماینده ولایت ننگرهار، لالی حمیدزی نماینده ولایت قندهار، عارف رحمانی نماینده ولایت غزنی، محمود خان سلیمان خیل نماینده ولایت پکتیا، محمد عظیم محسنی نماینده ولایت بغلان و سمیع الله صمیم نماینده ولایت فراه، متهم به قاچاق و در معاملات غیر قانونی دست دارند. او افزود که قدیر در قاچاق آرد، لالی در قاچاق موترهای غیر قانونی و صمیم در قاچاق تیل و شراب دست دارند و دیگران را به درخواست زمین و خانه غیر قانونی متهم کرد.

به تعقیب آن مجتبی پتنگ وزیر داخله نیز افشاء کرد که حدود ۳۰۰۰ عریضه اعضای ولسی جرگه نزد او موجود است که جهت مقرری و تغییر و تبدیل اقارب این وکلاء به وی رسیده است. جالب اینجاست که اکثریت به اصطلاح نمایندگان از بیکارگی و فساد و معامله گری های همقطاران خود در درون پارلمان ساعت ها می گویند ولی تا حال یکی از این ها نه استعفا داده و نه از امتیازات آن که خون جاری کودکان است گذشته است تا درسی باشد به سایرین.

حتی مفسدترین چهره ها اقرار می کنند که پارلمان محل تجمع جنایتکاران است و تا به امروز هیچ کاری به مردم نکرده بنا به جای برگزاری انتخابات با مصارف هنگفت بهتر خواهد بود این مبلغ به جای سیر کردن شکم چند جانی جهت دریدن تن مردم، در راه تعلیم و تربیه و صحت و خدمات اجتماعی به مصرف برسد تا اولاد وطن و مردم ستم کش از آن بهره مند شوند. برگزاری انتخابات پارلمانی حدود ۸۰ میلیون دالر سرمایه نیاز دارد که قلم عمده آن باز هم به جیب ناظران خارجی و رئیس و اعضای کمیسیون انتخابات واریز خواهد شد.

پایان